



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



فهرانی مفاد

مردی که لرزه بر اندام

آمریکا و رژیم صهیونیستی

انداخت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردی که لرزه بر اندام آمریکا و رژیم صهیونیستی انداخت

نویسنده:

یعقوب زهدی

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | مردی که لرزه بر اندام آمریکا و رژیم صهیونیستی انداخت |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | مقدمه |
| ۷ | فرمانده ادوات |
| ۷ | مسئول هماهنگی آتش توپخانه |
| ۸ | موسس و فرمانده توپخانه سپاه |
| ۸ | ساخت کاتیوشا |
| ۹ | مقابله به مثل |
| ۹ | پایه‌گذاری قدرت موشکی |
| ۹ | قدرت واقعی |
| ۹ | بالاترین مقام |
| ۱۰ | معنویت و پارسایی |
| ۱۰ | در محضر معشوق و در جمع یاران |
| ۱۰ | زندگینامه و گاهشمار |
| ۱۰ | مقدمه |
| ۱۰ | در محله سرچشمه |
| ۱۰ | آغاز تحصیلات |
| ۱۱ | ورود به مسجد زینب کبری(س) |
| ۱۱ | قبولی در دانشگاه در مقطع فوق دیپلم |
| ۱۱ | همراهی در مبارزات انقلابی |
| ۱۱ | اخذ مهندسی صنایع |
| ۱۱ | ۷ تیرماه ۱۳۵۹ |

- ۱۳۵۹ ۱۲
- ۱۳۶۰ آذر ۱۲
- تاسیس توپخانه سپاه ۱۲
- راهاندازی مرکز تحقیقات فنی توپخانه در اهواز ۱۲
- آغاز زندگی مشترک ۱۳
- راهاندازی فرماندهی موشک سپاه ۱۳
- شلیک توپ به سمت بصره ۱۳
- شلیک اولین موشک به سمت عراق ۱۳
- انتصاب به عنوان فرمانده موشکی نیروی هوایی سپاه ۱۳
- تلاش برای استقلال در صنعت موشکی ۱۴
- شرکت در عملیات مرصاد ۱۴
- موفقیت در ساخت شهاب ۳ ۱۵
- ساماندهی صعود بزرگ به قله دماوند ۱۵
- جانشین نیروی هوایی سپاه ۱۵
- رئیس سازمان جهاد خودکفایی سپاه ۱۵
- شهادت ۱۵
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۵

مردی که لوزه بر اندام آمریکا و رژیم صهیونیستی انداخت

مشخصات کتاب

نویسنده: یعقوب زهدی

ناشر: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

نوع: مقاله

موضوع: خاطرات شهید حسن تهرانی مقدم

مقدمه

وما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی

در پی پیروزی در عملیات طریق‌القدس و آزادسازی بستان، امام خمینی (ره) در ۸ آذر ۱۳۶۰ طی پیامی این عملیات را فتح‌الفتوح نامیدند و فرمودند:

«آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی عزیزانی که سربازان حقیقی ولی الله اعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشد و این است فتح‌الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی را که در دو جبهه معنوی و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند تبریک می‌گویم.»

فرمانده ادوات

شهید حسن تهرانی مقدم یکی از همان رزمندگان مورد خطاب حضرت امام خمینی (ره) بود که در این عملیات مسئولیت واحد ادوات تیپ کربلا را برعهده داشت که شامل انواع خمپاره‌انداز، سلاح‌هی ضد زره و تیربار بود. در حالی که حدود بیست سال سن داشت، به خاطر جثه لاغر و نحیف و چهره استخوانی‌اش بیش از هجده سال نشان نمی‌داد ولی هوش سرشار و نبوغ بالایی که خداوند به او عطا کرده بود، باعث شده بود که بیش از ده سال جلوتر از سن خودش حرکت کند و توانایی و تخصص و ظرفیت لازم برای چنین وظیفه مهمی را در عرضه نبرد کسب کند.

مسئول هماهنگی آتش توپخانه

درخشش حسن در طرح‌ریزی و به کارگیری ادوات و عملکرد موثر وی موجب شد که توجه فرماندهانی چون برادر رحیم صفوی، برادر رشید و شهید باقری که به آتش پشتیبانی اهمیت می‌دادند، به او جلب شود و در عملیات بعدی یعنی فتح‌المبین، فرمانده (اسبق) کل سپاه، برادر محسن رضایی حکمی را برای هماهنگی پشتیبانی آتش بین ارتش و سپاه که عملیات مشترک انجام می‌دادند، صادر کنند و حسن با حضور در قرارگاه مرکزی کربلا و استقرار برادران همکار خود در قرارگاه فرعی چهارگانه فتح، نصر، فجر و قدس توانست این مأموریت مهم را به نحو احسن به انجام برساند و پشتیبانی آتش مناسب و موثری را برای یگان‌های سپاه که متشکل از نیروهای پاسدار و بسیجی بود و در این عملیات استعداد آنان به صد گردان می‌رسید فراهم گردد. عملیات بعدی بیت‌المقدس بود که با همان ساختار قرارگاه کربلا و چهار قرارگاه فرعی به طور مشترک توسط ارتش و سپاه انجام شد و شهید

مقدم نیز با همان ترکیب برادران همکارش، به ماموریت هماهنگی پشتیبانی آتش ادامه دادند. در عملیات‌های ظفرمند و موفقیت آمیز فتح المبین و بیت المقدس علاوه بر آزادسازی قریب به هشت هزار کیلومتر مربع از مناطق اشغالی میهن اسلامی از جمله سزمین‌های غرب دزفول و جنوب غربی اهواز که خرمشهر در صدر آن فتوحات قرار داشت، در سایه نصرت و عنایت الهی، غنایم بسیاری نیز نصیب رزمندگان اسلام گردید، که از جمله آنها قریب به دویست قبضه توپ از انواع مختلف که اکثراً نو و آماده به کار بودند و چندین زاغه بزرگ مهمات بود.

موسس و فرمانده توپخانه سپاه

شهید مقدم و شهید شفیع زاده که ایده تشکیل توپخانه سپاه را در سر می‌پروراندند توپ‌هایی غنیمتی را نعمت و هدیه الهی به رزمندگان مخلص و خداجو تلقی کردند و شکرانه این نعمت الهی را در سازماندهی سریع و به کارگیری علیه دشمن بعثی می‌دانستند. لذا فرصت را مغتنم شمرده و پیشنهاد تشکیل توپخانه برای سپاه را با فرماندهی کل مطرح کردند. برادران ارتشی که توپخانه را رسته‌ای فوق‌العاده تخصصی که مهارت در آن را مستلزم آموزش‌های بلند مدت در مراکز آموزشی می‌دانستند، آن را از عهده سپاه خارج می‌دانستند و از سوی دیگر برخی فرماندهان سپاه نیز اعتقاد داشتند که یگان‌های رزمی سپاه بایستی سبک و چالاک باشند و نباید به تجهیزات سنگین روی بیاورند. حسن با نبوغ فکری‌ای که داشت و همواره افق‌های آینده را برآورد می‌کرد، استدلال می‌کرد که نبردهای گسترده‌تر و سخت‌تری پیش رو داریم و توپخانه ارتش کفایت پشتیبانی آتش یگان‌های خود را نمی‌کند و نمی‌توان برای یگان‌های سپاه که در حال توسعه نیز بودند به توپخانه ارتش متکی بود. لذا سپاه بایستی توپخانه‌ای قوی راه‌انداز کند برادر محسن رضایی با اعتماد به حاج حسن تهرانی مقدم حکم فرماندهی مرکز توپخانه را برای ایشان صادر کردند شهید مقدم، شهید شفیع زاده را به عنوان قائم مقام خود تعیین و شروع به بسیج کادر کرد. بخشی از برادران که تجربه کار در ادوات، خمپاره و دیده‌بانی داشتند و بخش دیگری از برادران که خدمت سربازی را در توپخانه ارتش سپری کرده بودند، هسته اولیه توپخانه سپاه در تیپ‌ها را تشکیل دادند و همزمان گردان‌های مستقل توپخانه نیز سازماندهی شدند. در عملیات‌های رمضان که حدود دو ماه بعد از عملیات بیت المقدس انجام گرفت، بخش اعظم توپ‌های غنیمتی در قالب آتشبارها و گردان‌های توپخانه در کنار توپخانه ارتش علیه دشمن بعثی به کار گرفته شد. باور این امر برای برادران ارتشی مشکل بود. لذا شهید صیاد شیرازی به اتفاق مشاوره توپخانه ارتش و شهید مقدم قبل از شروع عملیات از یگان‌های توپخانه سپاه بازدید کردند که نتیجه آن تأیید و تحسین و ابزار شگفتی از کار بزرگی بود که انجام شده بود. طولی نکشید که در پاییز ۱۳۶۱ حسن اولین گروه توپخانه را تشکیل داد و چون مقارن با ماه محرم بود، نام آن را گروه ۶۱ محرم گذاشت و شهید حسن غازی را به فرماندهی آن گروه گمارد. او از مرزهای دریایی جنوب هم غافل نبوده و گروه ۵۶ یونس را هم برای پدافند ساحلی تاسیس کرد و کلیه توپ‌های تیر مستقیم با برد بلند را در آن یگان سازماندهی کرد. نهال نوپای توپخانه به سرعت بارور شد و به ثمر نشست و عملیات به عملیات گسترش پیدا کرد. ترکیب دو حسن (تهرانی مقدم و شفیع زاده) مدیریت قوی، جامع و کاملی را در راس توپخانه سپاه شکل داده بود. تهرانی مقدم بلند پرواز و ایده‌پرداز بود و شفیع زاده مدیری توانا که سازماندهی، کادرسازی و آموزش و هماهنگی یگان‌ها را برعهده داشت.

ساخت کاتیوشا

موشک‌انداز کاتیوشا سلاحی است دارای تحرک و سرعت در تیراندازی که در عرض چند ثانیه منطقه وسیعی را با شلیک ۴۰ موشک زیر آتش انبوه قرار می‌دهد. تنها سلاح موشکی که ارتش در اختیار داشت، همین کاتیوشا بود که حداکثر برد آن ۲۰ کیلومتر بود. مقدم در همان سال اول تشکیل توپخانه در سپاه به فکر تهیه این سلاح افتاد و با در اختیار گرفتن یک سوله در حومه

تهران و فراهم کردن امکانات محدودی از ماشین‌افزا و ابزار مکانیکی، تیمی را برای ساخت یک نمونه کاتیوشا مامور کرد تا بیاوراند که قادر به ساخت آن هستیم. حتی اعتبار آن را از محل کمک‌های مردمی تامین کرد و طولی نکشید که اولین قبضه کاتیوشا ساخته شد و با تحویل آن به صنایع دفاعی، سپاه زمینه تولید انبوه آن را فراهم ساخت.

مقابله به مثل

رژیم جنایتکار عراق که از ابتدای جنگ برخی شهرها مثل دزفول را زیر موشکباران قرار داده بود، با تداوم پیروزی‌های رزمندگان اسلام و فقدان توان مقابله در جبهه‌ها روی به موشکباران و بمباران شهرها آورد تا از این طریق مردم را به ستوه آورده و برای توقف جنگ به حکومت ایران فشار بیاورند. ملت مسلمان و مقاوم ایران نیز با تحمل خسارات جانی و مالی، در خیابان‌ها فریاد می‌زدند «موشک جواب موشک» مقدم با شنیدن ندای هل من ناصر مردم در این فکر فرورفت که چه کسی باید جواب دشمن را بدهد. او با دید بلند و آینده‌نگر خود دریافته بود که اگر به موشک و تجهیزات بازدارنده دست پیدا نکنیم، ددمنشی‌های صدام ادامه خواهد یافت و شدت خواهد گرفت. او رسالت آینده خود را دریافته بود و دیگر موفقیت‌های توپخانه برایش جذاب و راضی کننده نبود. اولین آزمایش موشکی را که به شکل ابتدایی ساخته شده بود در عملیات خیبر تست کرد که تا پای شهادت نیز پیش رفت ولی حکمت خداوند، زنده ماندن و انجام ماموریت سرنوشت‌ساز برای جمهوری اسلامی ایران را برایش رقم زده بود.

پایه‌گذاری قدرت موشکی

بعد از عملیات خیبر به شفیع‌زاده گفت با وجود تو و بچه‌های توپخانه دیگر نیازی به حضور من نیست و من بایستی بروم دنبال موشک تا دست امام در برابر توحش صدام خالی نباشد. او با انتخاب تعدادی از برادران توپخانه به سراغ رسالت جدید خود رفت و یک سالی طول نکشید که اولین موشک ایران در تاسیسات نفتی کرکوک فرود آمد (اسفند ۱۳۶۳). صدام که کاملاً غافلگیر شده بود اعلام کرد که انفجار ناشی از خرابکاری بوده و ایران موشکی در اختیار ندارد. موشک بعدی در بانک رافدین بغداد فرود آمد تا جایی برای انکار باقی نمایند. با ادامه شرارت‌های صدام، سه موشک دیگر در همان ماه به بغداد پرتاب شد. دستیابی ایران به توان موشکی که ابتدا با خرید و در ادامه با ساخت صورت گرفت و حاصل تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی حسن و یارانش بود موجب کنترل دامنه حملات صدام به شهرها و مناطق مسکونی شد. صنعت موشکی که امروزه ایران را در تراز بالایی از بازدارندگی قرار داده و از نظر علمی و تکنولوژیکی، توانمندی و ظرفیت بالایی را برای کشور ایجاد کرده، میراث گرانقدری است که شهید مقدم در تاسیس و توسعه آن نقش بی‌بدیلی داشته.

قدرت واقعی

او با اینکه در راس سازمان‌های به کارگیرنده سلاح‌های قدرتمندی چون توپ و موشک قرار گرفته بود لکن قدرت واقعی را ایمان و توکل به خداوند قادر و متعال می‌دانست؛ به همین دلیل به هنگام تاسیس مرکز توپخانه سپاه آیه شریفه: «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» را در صدر تابلوی آن قرار داد و روی هر موشکی که پرتاب می‌کرد همین آیه را حک کرده بود و در کلیه عملیات‌های موشکی در هنگام آمادگی به طور دسته جمعی دعای توسل می‌خواندند.

بالاترین مقام

درجه ویست و مقام و موقعیت در نظر او ارزشی نداشت. در سال ۱۳۷۰ که به دریافت درجه سرتیپی از دست فرمانده معظم کل قوا

نائل شدم، در همان مراسم پیش تهرانی مقدم که آن موقع در جه سرتیپ دومی داشت رفتم و گفتم تو فرمانده من بودی و این درجه مال تو بود که به اعطا شد. او با خنده گفت «همین که این درجه روی شانه‌های توست انگار روی دوش من است. عنان و درجه به ماها هویت نمی‌دهد بلکه این ما هستیم به آن ارزش می‌دهیم». بارها از وی شنیده‌بودم و در عمل نیز اثبات کرده بود که بالاترین پاداش خود را لبخند رضایت رهبری می‌دانست.

معنویت و پارسایی

توسل به ائمه (ع) و حضرت زهرا(س) تضرع و استغاثه در دعا و راز و نیاز شبانه، او را از وابستگی‌های زمینی رهانیده و آسمانی کرده بود. این مراتب معنوی که به آن دست یافته بود و بحق باصفت «پارسای بی ادعا» از سوی رهبر و مقتدایش توصیف گردید، از ظاهرش پیدا نبود و ماها که با او همسنگر بودیم از آن آگاهی داشتیم. آیات و ادعیه زیادی را حفظ بود و مرتب زیر لب زمزمه می‌کرد؛ به خصوص به هنگام انجام ماموریت و در خطوط مقدم نبرد.

در محضر معشوق و در جمع یاران

مدت‌ها بود که هم‌زمان شهیدش همچون حسن شفیع‌زاده، حسن قاضی، حبیب‌الله کریمی، مصطفی تقی جراح، علیرضا ناهیدی، غلامرضا یزدانی، مهدی پیرانیان و خیل عظیمی از شهدای توپخانه و موشکی سپاه جای او را در صدر محفل خود آماده کرده و چشم به راهش بودند و حال در بزم الهی و نورانی خود، چون نگینی شهید مقدم را در میان حلقه خود قرار داده‌اند. روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

زندگینامه و گاهشمار

مقدمه

بچه محله سرچشمه، جوانکی لاغر اندام و سر به زیر با موهای فرفری که مانند بسیاری از جوانان نسل انقلاب، پاسداری از نهضت را تکلیف خود دانست و به صف سپاهیان روح‌الله پیوست و سرباز فرمانده کل قوا شد. بعد از شهادت علی (برادرش) در سوسنگرد که از کودکی انس زیادی با هم داشتند، عزمش بیش از پیش جزم شد و با نبوغ بی‌حدش، کاری را شروع کرد که از ساخت خمپاره ۶۰ آغاز شد و تا موشک شهاب ۳ رسید. جوانی که در دانشگاه جنگ، فارغ التحصیل شد؛ از صدام تا سران صهیونیستی و آمریکایی برای سرش جایزه گذاشتند و شد کابوس بی‌پایان لشکریان شیطان و امیر لشکریان خدا. در این گزارش مروری کوتاه داریم بر مقاطع تاثیرگذار زندگی این دانشمند عزیز که اقدامات جهادگرانه‌اش پایه‌گذار بسیاری از پیشرفتهایب فناوریانه و بازدارنده گذشته و آینده شد. ۶/۸/۱۳۳۸

در محله سرچشمه

در محله سرچشمه تهران متولد شد. پدرش محمود تهرانی مقدم به پیشه خیاطی مشغول بود. ۱۳۴۵

آغاز تحصیلات

به علت شغل پدر (خیاطی) به محله شکوفه و سپس به محله بهارستان نقل مکان کرد و مدارس ابتدایی و دبیرستان را در همین مناطق

گذراند. ۱۳۴۸

ورود به مسجد زینب کبری (س)

در مسجد زینب کبری سرچشمه زیر نظر آیت‌الله سید علی لواسانی امام جماعت و مدیر مسجد، تعلیمات دینی و مقدمات آشنایی با اسلام را فرا گرفت و به همراه برادرانش در گروه سرود مسجد شروع به فعالیت کرد. این گروه سرود، هسته اصلی گروه سرودی بود که در روز ۱۲ بهمن ۵۷ در فرودگاه مهرآباد به اجرای برنامه پرداخت. آیت‌الله لواسانی در این باره می‌گوید: «محل ما خیابان امیرکبیر، کوچه آمیز محمود وزیر است. آنجا یک مسجد و یک حوزه علمیه داریم و خانه ما هم کنار مسجد است. وقتی می‌رفتیم برای نماز، کارهای دیگری هم می‌کردیم. مثلاً با نوجوانان کار می‌کردیم و برایشان نامه داشتیم. یک گروه سرود هم درست کرده بودیم که در روزهای انقلاب برای خودش برویایی داشت. مسجد پرروقی بود و بچه‌های خوبی در آن رفت و آمد می‌کردند. برخی که نمی‌آمدند، کسی را می‌فرستادم و می‌گفتم بگویند آقای لواسانی کارت‌ان دارد. به دنبالشان می‌رفتیم. الحمدلله آن نسل حالا سردار و سرتیپ و متخصص شده‌اند و برای خودش برویایی دارند خدا را شکر. سه برادر بودند. محمد آقا که خدا حفظشان کند الان هستند، حاج حسن آقا که یگانه بودند و شهید علی، برادر اینها. مادر خوب و متدینی دارند. خدا حفظشان کند. اینها رو آورد مسجد پیش ما. چقدر این حاج حسن آقا با اخلاص بود. ما با اینها مانوس بودیم و برایشان کلاس گذاشته بودیم و برایشان احکام می‌گفتم. چقدر بچه‌های خوبی بودند» ۱۳۵۶

قبولی در دانشگاه در مقطع فوق دیپلم

در رشته صنایع (برش قطعات صنعتی) در مقطع فوق دیپلم مدرسه عالی تکنیکوم نفیسی پذیرفته شد. ۱۳۵۷

همراهی در مبارزات انقلابی

همزمان با اوج‌گیری فعالیت انقلابی تحت تاثیر برادرش محمد به صف انقلابیون پیوست. برادر بزرگترش احمد در این باره می‌گوید: «در روزهای منجر به پیروزی انقلاب به اتفاق دوستانش در فعالیت‌های زیرزمینی، نارنجک‌های دستی می‌ساخت که با استفاده از سه راهی لوله آب تولید می‌شد. شب ۲۲ بهمن در میدان امام حسین (فوزیه سابق) با پرتاب نارنجک دستی یک خودروی نظامی ارتش را مصادره و سرهنگ سوار بر خودرو را به اسارت درآورد». ۱۳۵۸

اخذ مهندسی صنایع

در مقطع لیسانس رشته مهندسی صنایع ادامه تحصیل داد و موفق به اخذ مدرک مهندسی شد.

۷ تیرماه ۱۳۵۹

عضویت در سپاه پاسداران در اطلاعات منطقه ۳ سپاه شمال مشغول به فعالیت شد و تا ۳۱/۷/۵۹ در این سمت باقی ماند. در زمان شورش‌های قوی در نقاط مرزی که مهم‌ترین آنها حوادث تجزیه‌طلبانه در کردستان بود و سپاه را در ۱۵ ماه اول عمر خود متوجه ضرورت تقویت صبغه نظامی کرد. با این رویکرد تا شهریور ۱۳۵۹ که در آستانه هجوم رژیم بعث عراق قرار گرفتیم، حداکثر توان رزمی سپاه تعداد معدودی گردان‌های رزمی بود که با روش‌های چریکی و غیر کلاسیک، درگیر مبارزه با اشرار و ضد انقلابیون مسلح در کردستان شدند. سنگین‌ترین سلاحی هم که در اختیار سپاه بود، تعدادی خمپاره‌انداز و آرپی‌جی و تیربار بود در حالی که

همین وضعیت ضد انقلابیون در کردستان، مسلح به توپخانه هم بودند. شاید آمار کل سلاح‌های سپاه در آن مقطع از چند هزار تفنگ ۳ و کلت و ده‌ها خمپاره‌انداز و آرپی جی تجاوز نمی‌کرد و این، همه موجودی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

۱۳۵۹

بعد از عملیات ثامن‌الائمه که منجر به رفع محاصره آبادان شد، از جمله غنائم به دست آمده از عراق یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ میلیمتری کشش بود که از جانب دشمن در شمال آبادان بین دارخوین و پل مارد مستقر بود. این آتشبار توپخانه بلافاصله تعمیر و عملیاتی شد و در همان منطقه علیه دشمن به کار گرفته شد. سه ماه بعد در عملیات فتح‌بستان مجدداً یک گردان توپخانه ۱۳۰ میلیمتری و یک آتشبار ۱۰۵ میلیمتری پرتغالی ارتش عراق از سوی رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) اصفهان به غنیمت گرفته شد که این گردان به دستور حسین خرازی (فرمانده تیپ) سازماندهی شده و در عملیات فتح‌المبین در پشتیبانی از گردان‌های مانوری بسیجی مبادرت به اجرای آتش کرد. این دوافاق مبدا شکل‌گیری توپخانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

۱۳۶۰ آذر

مسئول تطبیق آتش خمپاره‌ای سپاه در قرارگاه کربلا در عملیات طریق‌القدس حاج حسن بعد از عملیات ثامن‌الائمه متوجه ضعف آتش پشتیبانی خودی مستقر در خطوط مقدم جنگ شد، مدت‌ها روی این موضوع فکر کرد و سرانجام در پاییز ۱۳۶۰ طرح ساماندهی آتش پشتیبانی (خمپاره‌اندازها) را به صورت سنجیده و مدون تقدیم حسن باقری کرد. نامه را محسن رضایی (فرمانده وقت کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) امضا کرد و تحویل حسن باقری داد و حسن باقری آن را به حسن مقدم داد. حاج حسن نامه تایپ شده را خواند و دید طرح خودش درباره ساماندهی خمپاره‌اندازها به منظور پشتیبانی از نیروهای پیاده است. نامه خطاب به فرماندهان قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح سپاه در جبهه‌های جنوب بود: «برادر حسن مقدم به عنوان فرمانده پشتیبانی کننده آتش‌های خمپاره‌ای سپاه معرفی می‌شوند، لازم است با او همکاری کنید». ۱۳۶۱

تاسیس توپخانه سپاه

روایت شهید «عملیات فتح‌المبین تمام شد. من در سپاه شوش وقتی گزارش را به آقا رشید می‌دادم، دیدم آقا رشید باخنده می‌گوید «مقدم برو توپخانه سپاه را سازماندهی کن. برو سراغ توپخانه». گفتم آقا رشید ما داریم خمپاره را سازماندهی می‌کنیم. در عملیات فتح‌المبین (اگر اشتباه نکنم) ۱۴۸ قبضه انواع توپ‌های روسی به غنیمت سپاه درآمده بود. آن موقع سپاه ۹ تیپ داشت. قرار شد برویم آن توپ‌ها را بیاوریم و سازماندهی کنیم. شهید بزرگوار حسن شفیع‌زاده اولین نفری بود که رفتم دنبالش. بعد از عملیات فتح‌المبین از تیپ‌المهدی شوش آوردمش پیش خودم و آقای محمد آقایی که از مسئولین توپخانه سپاه بودند، به انضمام شهید ناهیدی. این بچه‌های نخبه باهوش را جمع کردیم و توپخانه سپاه را تشکیل دادیم». ۱۳۶۱

راه‌اندازی مرکز تحقیقات فنی توپخانه در اهواز

روایت شهید: «در آن زمان توپ‌های غنیمتی ما ۱۵۶ قبضه بود که همه آنها در دشت عباس و چناله به غنیمت گرفته شده بودند. ما برادران ارتشی را برای آموزش این توپ‌ها دعوت کردیم که یک تیم از توپخانه ارتش برای ما اعزام شد و وقتی توپ‌ها را دیدند گفتند این توپ‌ها روسی هستند و آموزشی که ما دیده‌ایم توپ‌های آمریکایی بوده و کاربرد این توپ‌ها را نمی‌دانیم. ما می‌خواستیم از این توپ‌ها در عملیات بیت‌المقدس استفاده کنیم ولی هیچ آموزشی ندیده بودیم. توپ‌های زیادی با مهمات خوبی

داشتیم ولی برای ما کارآمد نبودند. برادر بهمن چیره دست به دلیل تخصصی که داشتند توپ‌ها را راه‌اندازی کردند و مرکز تعمیر و نگهداری توپخانه راه‌اندازی شد و توپ‌ها راهی عملیات شدند. دومین نفری که به یاری ما شتافت، شهید ناهیدی بود که آموزش‌های لازم را خیلی با حوصله برای استفاده از وسایل غنیمت گرفته شده مثل ترتیل‌های فلزی، دوربین‌های پاکدو و تجهیزات نشان‌روی به ما دادند». ۱۳۶۱

آغاز زندگی مشترک

پدرش محمود تهرانی مقدم در همین سال از دنیا رفت و حسن با وجود مشغله فراوان در جنگ با اصرار خانواده زندگی مشترک را آغاز کرد. ۱۳ آبان ۱۳۶۲

راه‌اندازی فرماندهی موشک سپاه

روایت سردار زهدی: «آبان سال ۱۳۶۲ به برادر حسن تهرانی مقدم که صاحب ایده‌های بزرگی در این زمینه بود، ماموریت راه‌اندازی و سازماندهی «فرماندهی موشکی زمین به زمین سپاه» محول گردید». ۱۴ بهمن ۱۳۶۲

شلیک توپ به سمت بصره

حضرت امام (ره) با مقابله به مثل حملات موشکی عراق موافقت کردند. ما در آن زمان فاقد سامانه موشکی بودیم و فقط با توپخانه می‌توانستیم مقابله به مثل کنیم. در جلسه‌ای که سردار مقدم به عنوان فرمانده توپخانه سپاه حضور داشتند، قرار شد شهر بصره را با توپ‌های ۱۳۰ میلیمتری که حداکثر برد آنها ۲۸ تا ۳۰ کیلومتر بود مورد حمله توپخانه‌ای قرار بدهیم. ۱۵ اسفند ۱۳۶۳

شلیک اولین موشک به سمت عراق

در تاریخ ۲۱/۱۲/۱۳۶۳ اولین موشک ایران به کرکوک شلیک شد. دومین موشک هم در بامداد ۲۳/۱۲/۱۳۶۴ به بانک ۱۸ طبقه رافدین بغداد اصابت کرد و موشک بعدی در باشگاه افسران ارتش عراق در بغداد فرود آمد و حدود ۲۰۰ نفر از فرماندهان عراقی را به هلاکت رساند. روایت سردار زهدی: «وقتی که بنا شد اولین موشک را خود برادران سپاه به سمت بغداد شلیک کنند، با هم به کرمانشاه رفتیم. مقدمات کار فراهم شد و باشگاه افسران بغداد را هدف گرفتیم. مرحوم شهید مقدم پیشنهاد کرد اول دعای توسل بخوانیم و بعد از دعا به زبان فارسی با خدا صحبت کرد و گفت: «خدایا ما نمی‌خواهیم مردم عراق را بکشیم. ما می‌خواهیم نظامیان را از بین ببریم که هم ما و هم عراقی‌ها را می‌کشند. خدایا این موشک را باشگاه افسران بزن». موشک شلیک شد و همه پای رادیو نشستیم. پس از چند دقیقه رادیو بی‌بی‌سی اعلام کرد یک موشک باشگاه افسران بغداد را منهدم کرده و تعداد زیادی از افراد حاضر در آن کشته شده‌اند. من پیشانی شهید مقدم را بوسیدم و گفتم این به هدف خوردن موشک نتیجه اخلاص و پاکی تو بود». ۱۶ شهریور ۱۳۶۴

انتصاب به عنوان فرمانده موشکی نیروی هوایی سپاه

پس از صدور فرمان تاریخ امام (ره) مبنی بر تشکیل نیروهای سه گانه سپاه پاسداران، شهید مقدم در سال ۱۳۶۴ به سمت فرماندهی موشکی نیروی هوایی سپاه منصوب شد. روایت محسن رضایی: «جنگ شهرها که آغاز شد صدام به شدت شهرهای ما را با موشک و بمباران هوایی مورد حمله قرار می‌داد و فشار خیلی زیادی روی ما می‌آمد. من یک روز برادر محسن رفیق دوست را که مسئول

لجستیک سپاه بود خواستم و گفتم ما چاره‌ای نداریم جز اینکه جواب موشک‌ها را با موشک بدهیم، لذا ایشان را فرستادیم سوریه و لیبی و در آخر جنگ هم کره شمالی. بعد دیدم باید ساماندهی موشک‌ها را خودمان انجام دهیم. بعد از مشورت با برادران رشید، صفوی و شمخانی به این نتیجه رسیدم که فرد مناسب برای این کار حسن تهرانی است. ایشان را فراخواندیم و گفتیم توپخانه را بسپار به شفیع‌زاده و خودت با تیمی از دوستانت یگان موشکی را تشکیل دهید. ایشان کمی به من نگاه کرد و چیزی نگفت. بعدها برادر جعفری مسئول زرهی سپاه به من گفت در سوریه که بودیم حسن به من گفت: برادر محسن از من خواسته تیپ موشکی تشکیل بدهم. توپخانه را می‌شد کاری کرده ولی موشک‌های خیلی پیچیده‌اند. به هر حال باید با توکل این کار را انجام دهیم». ۱۳۶۵

تلاش برای استقلال در صنعت موشکی

از ۲۰ مرداد ۱۳۶۵ تا ۱۰ دی ۱۳۶۵ بعد از عملیات والفجر ۸ و قبل از کربلای ۴، لیبیایی‌ها در همکاری موشکی کارشکنی کردند و ما توان جواب دادن نداشتیم. ما در ۲۰ مرداد ۶۵ پالایشگاه نفتی الدوره عراق را زدیم. در این مقطع پنج موشک زدیم ولی به دلیل کارشکنی لیبیایی‌ها ۳۵ روز توان پاسخ نداشتیم. لیبیایی‌ها ۳۸ ایراد روی سکو قطعات گذاشته بودند. بعضی از قطعات همزمان با مذاکراتی از کره شمالی وارد شد. روایت محسن رضایی: «قذافی فکر کرده بود با دادن تعدادی موشک می‌تواند دل مارا به دست بیاورد و امام بعد از گذشت چند سال از انقلاب به او اجازه ملاقات می‌دهد که به ایران بیاید، بنابراین چندین موشک به همراه لانچر پرتاب و تعدادی کارشناس را به ایران فرستاد. همین که ما مشغول کار با آنها شدیم، شنیدیم که پادگانی که برایشان در نظر گرفته‌ایم را ترک کرده‌اند و به همراه قطعاتی از موشک‌ها به سفارت لیبی رفته‌اند، به طوری که نمی‌توان از موشک‌ها استفاده کرد. حسن و تیمش ظرف دو ماه این موشک‌ها را عملیاتی کردند و به محض اینکه عراق موشک زد، ما هتل الرشید را که محل تجمع دیپلمات‌ها بود زدیم». ۱۸ مرداد ۱۳۶۷

شرکت در عملیات مرصاد

به روایت سردار نامی: «در بحبوحه عملیات مرصاد دیدیم سردار مقدم به عنوان یک خدومه پای یک خمپاره ۱۲۰ در حال شلیک به سمت دشمن و منافقین است. سردار مقدم یعنی کسی که به عنوان فرمانده موشکی در حال انجام وظیفه بود وقتی ضرورت را احساس می‌کند می‌آید به عنوان یک خدومه ۱۲۰ به مقابله با دشمن». ۱۳۶۶ به روایت سردار نامی: «همزمان با انجام عملیات‌های مقابله به مثل موشکی و با پیگیری‌هایی که خود سردار مقدم داشتند در اواخر جنگ به یک سامانه موشکی و راکت ساخت داخل دست پیدا کردیم به نام راکت نازعات، که بردش بین ۸۰ تا ۱۲۰ کیلومتر است و با تلاش‌هایی که انجام داده بودند به ۱۵۰ کیلومتر رسیده بود. از دلایل طراحی و ساخت این سامانه، کمک در کنار موشک اسکاد بود که بتواند با یک نواخت تیر بالا قدرت مقابله با جنگ شهرها را داشته باشد. موشک اسکاد، موشک گران قیمتی است و به لحاظ آماده‌سازی و کم و کیف پرتاب برای اهداف خاص استفاده می‌شود. ما بعضا اهدافی داشتیم با ابعاد گسترده که حتما نیاز به دقت یا قدرت انفجار زیاد داشت منتها تنها سامانه‌ای که داشتیم همین اسکاد بود و لذا از همان مقطع همزمان با فعالیت تحقیقاتی جهت ساخت موشک‌های اسکاد ساخت سامانه‌های ارزان قیمت و دارای قدرت مانور بالاتر نیز آغاز شد، تا بتوانیم بعضی از اهدافی را که ارزش و اهمیت چندانی ندارد با آن سامانه مورد اصابت قرار بدهیم. همانجا تلاش و پیگیری برای ساخت و تولید موشک نازعات در اولین قدم طرح‌ریزی شد و در دستور کار قرار گرفت که ما در پایان جنگ یعنی اواخر سال ۶۶ موفق شدیم به این سامانه دست پیدا بکنیم». ۱۳۷۷

موفقیت در ساخت شهاب ۳

روایت سردار «عباس خانی ارامنی» جانشین فرمانده توپخانه و موشکی نیروی زمینی سپاه، «درست است که وزارت دفاع به عنوان واحد پشتیبانی کننده نیروهای مسلح در بحث ساخت موشک «شهاب ۳» وارد می‌شود، اما عمده کارهای تحقیقاتی‌اش را شهید مقدم انجام داده بود. این شهید عزیز عقیده داشت، نباید چیزی را دیگران بسازند و بعد آن را به ما بدهند. به عبارت دیگر می‌گفت اگر نیروهای مسلح ما درک کردند بنابر نوع تهدید به چه ابزاری برای مقابله نیاز دارند، باید برای تولید آن گام بردارند. زیرا متخصصان داخلی کشورمان از توانمندی و قدرت عمل بسیار بالایی برخوردار هستند». ۱۳۸۱

ساماندهی صعود بزرگ به قله دماوند

روایت سردار «یدالله مکاری» مسئول هیات کوهنوردی سپاه: «کاری که سردار حسن مقدم انجام داد، کاری بس دشوار و بزرگ بود ولی از آنجا که قربه الهی الله بود و همراه باتوکل و نشات گرفته از نام ائمه و یاری گرفتن از آنها بود، باموفقیت به انجام رسید صعود به قله دماوند بدون شک برای اولین و آخرین بار بود که اجرا شد. در سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا (س) از چهارده یال کوه دماوند با نام چهارده معسوم با شرکت ۵۰۰۰ کوهنورد از سراسر رده‌های سپاه انجام شد که از ۵۰۰۰ نفر، ۴۱۳۷ نفر آنان موفق به صعود بر بام ایران یعنی قله دماوند شدند و حدیث کسا را انجا قرائت کردند». ۱۳۸۴

جانشین نیروی هوایی سپاه

در تاریخ ۱/۷/۱۳۸۴ به عنوان جانشین سردار علی زاهدی در نیروهای هوایی سپاه پاسداران منصوب شد. ۱۳۸۵ اذر ۲۳

رئیس سازمان جهاد خودکفایی سپاه

در ت ۲۵/۹/۱۳۸۵ به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه در امور موشکی و رئیس سازمان خودکفایی سپاه انتخاب شد. آبان ۱۳۹۰

شهادت

در یادگان امیرالمومنین (ع) و در حال آماده‌سازی آزمایش موشکی بر اثر انفجار زاغه مهمات، به یارانش شهید احمد کاظمی، حسن شفیع زاده، حسن غازی، غلامرضا یزدانی، علیرضا ناهیدی، مصطفی تقی‌خواه و ... پیوست

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

